



تهیه شده در:  
معاونت اقتصادی  
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران  
اردیبهشت ماه ۱۳۹۸

# بررسی مسائل روز اقتصاد ایران

گزارش اول: امنیت اقتصادی؛ مولفه‌ها و پیش‌نیازها

گزارش دوم: درس‌های توسعه اقتصادی آسیا در ۵۰ سال اخیر

همکاران این شماره:

ناظر: شیما حاجی نوری

مجری: فرناز صفدری

## بیشتر بخوانید

برای مطالعه بولتن‌ها و بروشورهای مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، می‌توانید به سامانه بانک اطلاعات پژوهشی اتاق ایران به نشانی [research.chambertrust.ir](http://research.chambertrust.ir) مراجعه کنید.

۱- برخی تحقیقات قبلی معاونت اقتصادی اتاق ایران که به موضوع "امنیت اقتصادی؛ مولفه‌ها و پیش‌نیازها" ارتباط دارد:

- بروشور اقتصاد به زبان ساده (شماره ۳) - موضوع: محیط کسب و کار  
[www.bit.ly/2VfJGvz](http://www.bit.ly/2VfJGvz)
- بروشور اقتصاد به زبان ساده (شماره ۲۵) - موضوع: توسعه  
[www.bit.ly/2JhCHB4](http://www.bit.ly/2JhCHB4)
- بروشور اقتصاد به زبان ساده (شماره ۲۹) - موضوع: دیپلماسی اقتصادی  
[www.bit.ly/30eUcqT](http://www.bit.ly/30eUcqT)

۲- برخی تحقیقات قبلی معاونت اقتصادی اتاق ایران که به موضوع "درس‌های توسعه اقتصادی آسیا در ۵۰ سال اخیر" ارتباط دارد:

- تبیین نقش دولت در توسعه صادرات؛ با نگاهی به تجارت کشورهای موفق (بولتن بررسی مسائل روز اقتصاد ایران - فروردین ۹۷)  
[www.bit.ly/2JHIBfl](http://www.bit.ly/2JHIBfl)
- بروشور اقتصاد به زبان ساده (شماره ۲۱) - موضوع: استراتژی توسعه صنعتی  
[www.bit.ly/2JhFrhQ](http://www.bit.ly/2JhFrhQ)
- بروشور اقتصاد به زبان ساده (شماره ۲۵) - موضوع: توسعه  
[www.bit.ly/2JhCHB4](http://www.bit.ly/2JhCHB4)
- بسترها و الزامات توسعه کارآفرینی (با نگاهی به تجارب موفق) / اردیبهشت ۹۶  
[www.bit.ly/2ViGkb9](http://www.bit.ly/2ViGkb9)

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

گزارش شماره ۱: امنیت اقتصادی: مؤلفه‌ها و پیش‌نیازها ..... ۱

گزارش شماره ۲: درس‌های توسعه اقتصادی آسیا در ۵۰ سال اخیر ..... ۲۵

## امنیت اقتصادی: مؤلفه‌ها و پیش‌نیازها

### خلاصه مدیریتی

امنیت در قرن حاضر به مفهومی گسترده و پیچیده تبدیل شده است که ابعاد مختلفی از زندگی بشر را دربرمی‌گیرد. باوجود آنکه در سده‌های پیشین مهم‌ترین رویکرد به امنیت را نگاه نظامی و سیاسی تشکیل می‌داد، در سال‌های اخیر «امنیت اقتصادی» در اولویت قرار گرفته است. امنیت اقتصادی به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های امنیت انسان نقش مهمی در رفاه جوامع بشری ایفا می‌کند و تأثیر آن در توسعه باثبات نظام اقتصادی کشورها قابل انکار نیست. از این‌رو، گزارش حاضر به تبیین مفهوم امنیت اقتصادی، مؤلفه‌ها و پیش‌نیازهای آن پرداخته است. علاوه بر این، سعی شده است با زبانی ساده لزوم تغییر نگاه امنیتی و نظامی به مقوله امنیت اقتصادی به موازات تغییر مؤلفه‌های صرفاً نظامی امنیت مورد تأکید قرار گیرد. در واقع، ابزارهای قدرت در هر عرصه باهم تفاوت دارند و عواملی که در یک حوزه منشأ اثر هستند، ضرورتاً نمی‌توانند همان نقش را در حوزه دیگر ایفا کنند. در واقع، آنچه امنیت گفته می‌شود باید در هر حوزه و در ارتباط با مؤلفه‌های کلیدی همان حوزه تعریف شود. از این‌رو، در بخش نخست گزارش پیش‌رو، ابتدا تعریف امنیت در حوزه‌های مختلف ارائه شده است و سپس به تعریف امنیت اقتصادی پرداخته شده است.

امنیت اقتصادی به میزان حفظ و ارتقاء سطح زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، از مجرای عملکرد داخلی و بین‌المللی اشاره دارد. از این‌رو، هر تهدید داخلی و خارجی که امکان استفاده کارآمد از منابع را در اقتصاد به مخاطره اندازد و رشد توسعه‌گرا و باثبات اقتصاد را با اختلال روبه‌رو کند، به امنیت



اقتصادی کشور ضربه می‌زند. از سوی دیگر، هرچه امنیت اقتصادی را تهدید کند به طور قطع از تهدیدهای اصلی کشور به شمار می‌رود.

در ادامه گزارش، اقسام امنیت از منظر امنیت سخت و نرم تعریف شده‌اند. امنیت سخت، به ابعاد نظامی تأمین امنیت اشاره دارد و امنیت نرم به ابعاد دیگری از حفظ امنیت انسان می‌پردازد که ضرورتاً با ابزارهای نظامی و امنیتی به دست نمی‌آیند. امنیت اقتصادی در گروه امنیت نرم یا غیرنظامی قرار می‌گیرد. از اینرو، ابزارهای سنتی حفظ امنیت، یعنی احزاب، ایدئولوگ‌ها و نیروهای امنیتی و نظامی دولت در حفظ امنیت اقتصادی نقش ندارند. در بخش بعدی گزارش، سطوح مختلف امنیت اقتصادی از یکدیگر تفکیک شده‌اند که سه سطح خرد (فرد/ خانوار/ مصرف‌کننده)، میانی (بنگاه‌ها) و کلان (ملی، منطقه‌ای و جهانی) را در بر می‌گیرد. تعریف و عوامل تعیین‌کننده امنیت اقتصادی در هر یک از این سطوح با یکدیگر تفاوت دارد که در گزارش بدان پرداخته شده است. امنیت اقتصادی در سطح ملی، به معنای تأمین امنیت در بخش‌های مختلف اقتصاد است. به عبارت دیگر، ذیل امنیت اقتصاد ملی می‌توان از امنیت در بخش‌هایی نظیر امنیت اقتصاد کلان، امنیت مالی، امنیت سرمایه‌گذاری، امنیت تولید، امنیت جمعیت‌شناختی، امنیت اجتماعی، امنیت زیرساخت‌های حیاتی، امنیت انرژی، امنیت علمی-فناوری و امنیت غذایی سخن گفت.

در بخش دیگری از گزارش، ضرورت امنیت اقتصادی از منظر تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی با استناد به گزارش صندوق بین‌المللی پول بیان شده است که نشان می‌دهد بهبود امنیت اقتصادی به افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی می‌انجامد. همچنین، تأثیر امنیت اقتصادی بر امنیت داخلی و ژئوپولیتیک بین‌الملل به عنوان یکی دیگر از آثار امنیت اقتصادی ذکر شده است.

در ادامه، رویکردهای اصلی به تأمین امنیت اقتصادی تشریح شده است. به طور کلی، دو رویکرد اصلی در تحلیل امنیت اقتصادی وجود دارد: یکی، رویکرد انگلیسی-آمریکایی که بر مبنای محوریت فرد تعریف شده است؛ نه بر محوریت دولت یا مالکیت اشتراکی. هدف اصلی در این رویکرد، تأمین نیازهای مشتریان و تولیدکنندگان است. در رویکرد دوم، رویکرد آسیایی، دولت آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی را که به طور مستقیم بر امنیت ملی تأثیرگذار هستند کنترل می‌کند. اما رویکرد سومی نیز تحت عنوان رویکرد اروپایی وجود دارد که ترکیبی از دو رویکرد فوق است.

در بخش بعد، به پیش‌نیازهای امنیت اقتصادی اشاره شده است که طیفی از مؤلفه‌های نهادی تا مؤلفه‌های بازار را دربرمی‌گیرد. این عوامل عبارتند از ایجاد ترتیبات نهادی مؤثر، محیط مساعد برای فعالیت عوامل



تولید، اجرای سیاست‌های توسعه منطقه‌ای و توسعه پایدار، آزادی مالکیت، سیستم مالی و بانکداری مناسب، حمایت اجتماعی و پژوهش‌های علمی و فناورانه همراه با احترام به حقوق مالکیت معنوی و کپی‌رایت.

در قسمت دیگر گزارش، ریسک اقتصادی کشورها بر اساس راهنمای بین‌المللی ریسک کشورها<sup>۱</sup> تبیین شده است که متغیرهای زیر را در برمی‌گیرد: سرانه تولید ناخالص داخلی، رشد واقعی تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم سالیانه، تراز بودجه نسبت به تولید ناخالص داخلی و تراز حساب جاری نسبت به تولید ناخالص داخلی.

در قسمت بعدی، عوامل تهدیدکننده امنیت اقتصادی بنگاه‌ها تشریح شده است. این عوامل به طور عمده، از دو منشأ داخلی و خارجی ناشی می‌شوند که در اثر آنها انحلال آنها می‌شوند. برنامه‌ریزی امنیت اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که هزینه امنیت اقتصادی به طور بهینه و در کل نظام امنیت ملی توزیع شود. ارتباط سطوح مختلف امنیت اقتصادی در تحمل هزینه‌ها در بخش بعدی گزارش نشان داده شده است.

---

<sup>1</sup> International Country Risk Guide (ICRG)

## ۱- مقدمه

امنیت مفهوم جدیدی نیست. بشر از دیرباز به دنبال امنیت بوده، اما تعریف آن طی سال‌ها و با پیشرفت مکاتب مختلف، تغییرات عمده‌ای کرده است. پس از جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد، سلاح‌های کشتار جمعی عامل اصلی ایجاد امنیت به شمار می‌رفتند و رقابت تسلیحاتی گسترده‌ای بین دو بلوک شرق و غرب ایجاد شد که قدرت نظامی و توانایی ایجاد امنیت نظامی مؤلفه اصلی آن را تشکیل می‌داد. اما به موازات پایان جنگ سرد و با گسترش آزادسازی اقتصادی و افزایش تجارت بین‌الملل، جنبه‌های دیگری در تعریف مفهوم امنیت شکل گرفت که بیشتر به ابعاد نرم قدرت معطوف بود تا برتری‌های نظامی. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تهدیدها و خطرات پیش‌بینی نشده فراوانی پیشروی کسب‌وکارهای نوپا در کشورهای پسا شوروی قرار گرفت و مفهوم امنیت اقتصادی که تا پیش از آن دغدغه اندیشمندان غربی بود به دنیای شرق نیز راه یافت [۲]. در واقع، از دهه ۹۰ میلادی به این سو، تهدیدات زندگی بشر صرفاً نظامی تلقی نمی‌شد و دامنه وسیع‌تری از زندگی اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و سیاسی انسان به تعریف امنیت افزوده شد. به تدریج، جنبه‌های اقتصادی امنیت بیشتر مورد توجه قرار گرفت و مکاتب اقتصادی مختلف تعاریف متفاوتی از امنیت اقتصادی ارائه دادند.

رابطه امنیت و اقتصاد، رابطه آشکاری است. تاریخ ثابت کرده است که بی‌ثباتی در اقتصاد نتایج گرانباری به همراه دارد. نمونه بارز آن، بحران مالی دهه ۱۹۳۰ است که زمینه ایجاد فاشیسم را در آلمان ایجاد کرد [۱۲]. از اینرو، امنیت اقتصادی باید به هدف سیستم‌های مدیریت و نظارت در کشورها تبدیل شود. زیرا هر چه ریسک در فعالیت‌های اقتصادی افزایش و به تبع آن امنیت اقتصادی کاهش یابد، آثار سوءای از قبیل فرار سرمایه و کاهش رشد اقتصادی، بیشتر می‌شود.

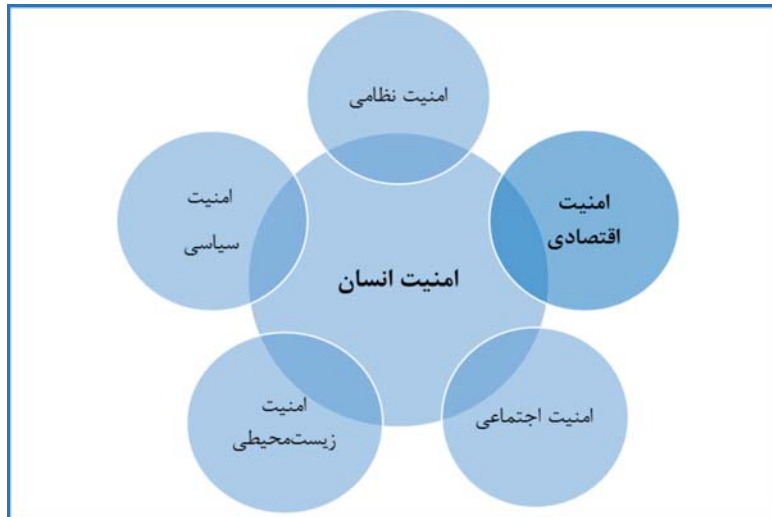
بنابر ضرورت توجه به تأمین امنیت اقتصادی در تدوین سیاست‌های اقتصادی با هدف ایجاد رفاه، برطرف ساختن بی‌ثباتی و نااطمینانی‌های اقتصادی، افزایش جذب سرمایه‌گذاری و در نهایت کمک به بهبود رشد اقتصادی کشور، گزارش پیش رو به تشریح این مفهوم و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن پرداخته است.

## ۲- مفهوم امنیت

امنیت در معنای عمومی‌اش به معنای بقاء در برابر تهدیدهای هستی‌شناختی است. اما آنچه تهدید هستی‌شناختی خوانده می‌شود، در هر حوزه متفاوت است. از اینرو، مفهوم امنیت باید در یک حوزه مشخص تعریف شود. امنیت در حوزه‌های نظامی، سیاسی، زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی تعاریف متفاوتی دارد که در زیر به هریک از آنها پرداخته شده است [۷]. البته، دسته‌بندی‌های مختلفی در زمینه امنیت انسان و

زیربخش‌های آن وجود دارد که بر اساس بخش‌بندی‌های متفاوت از زندگی بشر و فعالیت‌های او با یکدیگر تفاوت دارند. در یک دسته‌بندی کلی، مؤلفه‌های امنیت انسان را می‌توان در شکل ۱ ملاحظه نمود [۵].

شکل ۱- بخش‌های مختلف امنیت انسان



Source: Hughes, C. W., & Meng, L. Y. (2011). *Security Studies: A Reader*. London & New York: Routledge

#### ۱-۲- امنیت نظامی

امنیت در حوزه نظامی به ایمن‌سازی کشور اشاره دارد. امنیت نظامی، به توان دفاعی و تهاجمی کشورها گفته می‌شود.

#### ۲-۲- امنیت سیاسی

امنیت در حوزه سیاسی به حفظ کیان حاکمیت گفته می‌شود. امنیت سیاسی، به ثبات ساختاری دولت‌ها، ثبات سیستم‌های دولت و ایدئولوژی‌های مشروعیت‌بخش به آنها اطلاق می‌شود.

#### ۳-۲- امنیت زیست‌محیطی

امنیت در حوزه زیست‌محیطی، از حفظ بقای گونه‌های جانوری و زیستگاه‌ها آغاز و به قلمرو وسیع‌تر مباحث جوی و زیست‌کره گسترده می‌شود. در واقع، امنیت زیست‌محیطی به حفاظت از زیست‌کره در مقیاس داخلی و بین‌المللی اشاره دارد.

#### ۴-۲- امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی به پایداری در شرایط قابل قبول برای پیشرفت الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی اطلاق می‌شود.



## ۲-۵- امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی در بین انواع امنیت جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا سایر انواع امنیت بدون برخورداری از جنبه‌های اقتصادی محقق نمی‌شوند [۶]. امنیت اقتصادی به دستیابی به منابع (اعم از مالی و غیرمالی) و بازارهای لازم جهت حفظ سطوح قابل قبول رفاه و قدرت در جامعه گفته می‌شود. در بخش‌های بعدی گزارش، مفهوم امنیت اقتصادی به تفصیل تشریح شده است.

## ۳- اقسام امنیت: امنیت سخت و نرم

در بحث امنیت، می‌توان از دو مقوله امنیت سخت و امنیت نرم سخن گفت. جنبه‌های نرم امنیت به جنبه‌های غیرنظامی اشاره دارد که بسیار پیچیده هستند و تعریف دقیق امنیت نرم را دشوار می‌سازند. از بُعد امنیت سخت یا نظامی، یک کشور زمانی در امنیت است که در قالب یک ائتلاف بتواند از نیروهای کافی برای دفاع از خود برخوردار باشد. حتی در بُعد امنیت سخت، نمی‌توان در دنیای امروز امنیت را مقوله‌ای خود-دفاعی قلمداد کرد، بلکه امنیت در ائتلاف با گروه‌های دیگر تعریف می‌شود. ائتلاف‌ها حتی اگر کوچک باشند، مقرون به صرفه نخواهند بود. به عبارت دیگر، کشورها نمی‌توانند مانند گذشته امنیت خود را با افزایش توان نظامی خود به تنهایی یا در قالب گروه کوچکی از کشورهای هم‌پیمان تأمین نمایند. تأمین امنیت با دو مسئله همراه است. نخست، هزینه‌های بالای نظامی در کنار سایر هزینه‌ها در بودجه کشور سنگینی می‌کند و دوم، سرمایه‌گذاری در تسلیحات سنگین با توسعه تجارت بین‌المللی که عامل ایجاد ثروت و ثبات در کشور است، تناقض دارد [۱۲].

در ایجاد و حفظ امنیت نرم (غیرنظامی) مؤلفه‌هایی مهم هستند که برخلاف امنیت سخت، ارتباطی به امنیت نظامی ندارند. در زیر به این مؤلفه‌ها اشاره شده است [۱۲]:

- **ثبات اقتصادی:** استراتژی اجرا شده در کشور و اثربخشی آن، در کنار مشکلات احتمالی برای ایجاد تغییر، در سنجش ثبات اقتصادی مهم است.
- **ثبات نظام سیاسی:** ثبات نظام سیاسی به معنای ثبات دولت نیست، بلکه استمرار استراتژی مد نظر است.
- **روابط با کشورهای همسایه:** روابط با همسایگان باید باثبات و مناسب باشد.
- **قابلیت تطبیق:** توانایی تطبیق با شرایط درونی و بیرونی حائز اهمیت است.
- **نهادینه‌سازی روابط خارجی:** روابط با سایر کشورها باید به صورت نهادینه در کشور دنبال شود.
- **گشودگی اقتصادی:** میزان ارتباطات بین کشورها که منافع متقابل آنها را شکل می‌دهد.

در هر صورت، دستیابی به امنیت نرم در گرو تأمین پیش‌نیازهای آن است که می‌توان آن را در موارد زیر خلاصه کرد [۱۲]:

- تمهیدات نهادی در داخل؛
- داشتن نظام سیاسی دموکراتیک با عملکرد درست؛
- روابط پابرجا و هدفمند با کشورهای همسایه؛
- استقرار و نهادینه‌سازی روابط خارجی؛
- تن دادن به اصلاحات سیستمی مورد تقاضای رأی دهندگان که پیش شرط دستیابی به ثبات اجتماعی نیز تلقی می‌شود؛
- ایجاد آمادگی برای حرکت به سمت اقتصاد رقابتی با عملکرد درست که مستلزم آزادسازی اقتصاد در داخل و خارج است.

آنچه از موارد فوق برمی‌آید این است که امنیت نرم علاوه بر مؤلفه‌های اقتصادی، مؤلفه‌های دیگری را در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی در برمی‌گیرد. البته، باید توجه داشت علیرغم اهمیت گشودگی در این عرصه‌ها، پیش‌تر باید ترتیبات نهادی مؤثر و پشتیبان بازار در داخل شکل گرفته باشند و ثبات اقتصادی لازم در سایه نهادهای مناسب محقق شده باشد.

#### ۴- تعریف امنیت اقتصادی

در اقتصاد، دامنه تعریف امنیت و تهدیدهای بالقوه پیچیده‌تر از سایر حوزه‌ها است. امنیت در اقتصاد دارای ویژگی‌های زیر است [۷]:

- مفهومی پویا، دارای عناصر چند جانبه و چندوجهی که نمی‌توان آن را به طور مطلق تعریف کرد.
- بخش مهمی از امنیت ملی است.
- ابزار مبارزه با فقر، قحطی، نابرابری اقتصادی و اجتماعی است.
- وسیله حمایت از منافع حیاتی جامعه، دولت و شهروندان در برابر تهدیدهای خارجی و داخلی است.

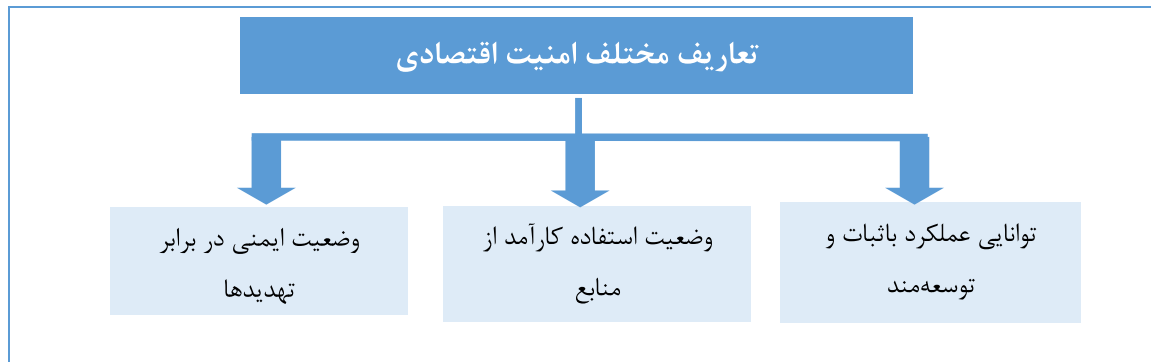
در یک تعریف جامع، امنیت اقتصادی به معنای ظرفیت یک کشور برای مقاومت در برابر حملات، تهاجم و تأثیرات اقتصادی نیروهای خارجی است. امنیت اقتصادی، فضایی در داخل کشور و در عرصه بین‌المللی ایجاد می‌کند که حافظ صلح و امنیت است و در آن، نظام اقتصادی کشورها می‌تواند توسعه مستمر، باثبات و ایمن داشته باشد [۳]. بر اساس تعریف فوق، امنیت اقتصادی به وضعیتی اشاره دارد که تهدیدهای اقتصادی-مالی با منشأ خارجی و داخلی در اقتصاد وجود ندارد و خطری توان اقتصاد ملی برای تأمین منابع

موردنیاز جهت ایفای کارکردهایش، فعالیت تولیدکنندگان و منافع مصرف‌کنندگان را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد. بنابراین امنیت اقتصادی کل کشور در گروهی ایجاد توازن بین سه مؤلفه کلیدی در تعریف فوق است [۷].

- امنیت اقتصادی مصرف‌کننده (منافع مصرف‌کننده)
- امنیت اقتصادی بنگاه‌ها (فعالیت تولیدکننده)
- امنیت اقتصاد ملی (تأمین منابع موردنیاز جهت کارکردهای اصلی اقتصاد)

در شکل ۲ می‌توان خلاصه‌ای از تعاریف مختلف امنیت اقتصادی را ملاحظه نمود [۶]:

شکل ۲- خلاصه‌ای از تعاریف مختلف امنیت اقتصادی



Source: Ianioglo, A., & Polajeva, T. (2016). Origin and Definition of the Category of Economic Security of Enterprise. *Business and Management 2016* (pp. 1-8). Lithuania: VGTU Press

یکی از دشواری‌های تعریف امنیت اقتصادی، وجود مؤلفه‌های سیاسی در تعریف خود مفهوم امنیت است. از آنجا که اصول سیاسی و اقتصادی تفاوت‌های مهمی باهم دارند، با نگاه سیاسی نمی‌توان امنیت اقتصادی را تعریف کرد. تفاوت دو نگاه سیاسی و اقتصادی را به صورت زیر می‌توان شرح داد [۷]:

- نگاه سیاسی، نیازمند استمرار، ممنوعیت و کنترل است.
- نگاه اقتصادی، پویا، نیازمند فراتر رفتن از مرزها، همراه با کنترل جریان‌ات اقتصادی و شبکه‌ها است.

#### ۴-۱- سطوح امنیت اقتصادی

سطوح امنیت اقتصادی می‌تواند از فرد، طبقه و کشور تا بازار جهانی متغیر باشد و هریک از این گروه‌ها ممکن است با یکدیگر هم‌پوشانی پیدا کنند [۲]. برای صحبت از امنیت اقتصادی و عوامل ایجادکننده ناامنی اقتصادی، باید ابتدا سه «سطح» از امنیت اقتصادی را از هم بازشناخت [۱۱]:

شکل ۳- سطوح امنیت اقتصادی



Source: Wysockińska, A., & Raczkowski, K. (2013). Economic Security in the Context of Sustainability. *Rural Development*, 454-462

**خرد:** امنیت اقتصادی در سطح فرد / خانوار - امنیت اقتصادی مصرف کننده

**میانی:** امنیت اقتصادی در سطح کسب و کارها / منطقه - امنیت اقتصادی بنگاه

**کلان:** امنیت در سطح کشوری یا گروهی از کشورها - امنیت اقتصادی ملی

به طور کلی، نیاز به امنیت اقتصادی به تدریج از سطح فردی به کل جامعه تغییر پیدا کرده است. امنیت اقتصادی در هر یک از سطوح، در زیر تشریح شده است [۷].

#### ۴-۱-۱- امنیت اقتصادی فرد

امنیت اقتصادی فرد یا مصرف کننده به معنای امکان مصرف کننده برای بهره‌مندی از حقوق خود بر مبنای مقررات و همچنین، امکان بهره‌برداری از مقررات بین الملل در این راستا است [۷].

#### ۴-۱-۲- امنیت اقتصادی بنگاه

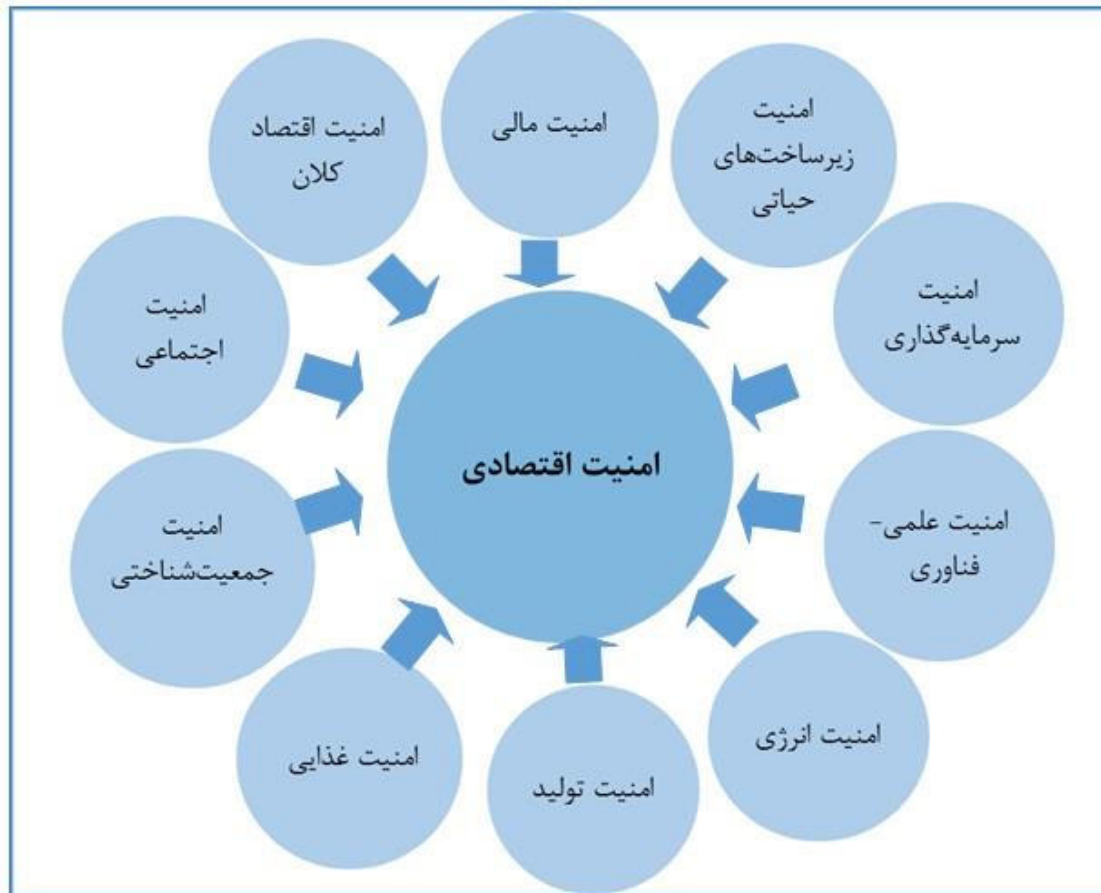
امنیت اقتصادی بنگاه به معنای تأمین ثبات جهت انجام فعالیت اقتصادی در چرخه‌های تولید، مبادله، توزیع و مصرف است. تضمین دسترسی به منابع اقتصادی، مالی و اطلاعاتی جهت فرآیند تولید و همچنین، تضمین برخورداری از حقوق غیرقابل انتقال به منظور تأمین سود بنگاه، از الزامات بنیادین امنیت اقتصادی در سطح بنگاه است [۷].

#### ۴-۱-۳- امنیت اقتصادی ملی

امنیت اقتصادی ملی برآیند دو مؤلفه امنیت اقتصادی مصرف کننده و امنیت اقتصادی بنگاه است. هر زمان اقتصاد کشور با حداقل موانع داخلی و خارجی روبه‌رو باشد و حمایت از منافع اقتصاد ملی حاصل شود، امنیت اقتصادی ملی وجود دارد. تأمین امنیت اقتصادی ملی مستلزم حمایت نهادها و جامعه مدنی از اقتصاد ملی

در سیاست‌های اقتصادی، مالی، مالیاتی، بانکی، پولی، بازرگانی و سرمایه‌گذاری است. مؤلفه‌های امنیت اقتصادی در سطح ملی در شکل ۵ به تصویر کشیده شده‌اند [۷].

شکل ۵- مؤلفه‌های امنیت اقتصادی در سطح ملی



Source: Ioan-franc, V., & Diamescu, M. A. (2010). Some Opinions on the Relation between Security Economy and Economic Security. *Romanian Journal of Economics*, 129-159

#### ۴-۲- امنیت اقتصادی از نظر برخی از مکاتب اقتصادی

هدف اصلی امنیت اقتصاد ملی، تأمین شرایط ضروری جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور است. با این حال، امنیت اقتصادی، مفهومی مناقشه‌آمیز و سیاسی شده است که مکاتب اقتصادی مختلف دیدگاه‌های متفاوتی در مورد آن دارند. در جدول ۱، دیدگاه برخی مکاتب اقتصادی در مورد امنیت اقتصادی تشریح شده است [۲].



جدول ۱- دیدگاه تعدادی از مکاتب اقتصادی در مورد امنیت اقتصادی

نگاه به امنیت اقتصادی	مکاتب اقتصادی
<p>در مکتب مریکانتیلیست‌ها و نئومریکانتیلیست‌ها، اولویت با سیاست است. به اعتقاد مریکانتیلیست‌ها، سیاست می‌تواند شرایطی را فراهم آورد که اهداف سیاسی و اجتماعی لازم جهت ایجاد ثروت و امنیت مورد نیاز برای عملکرد بنگاه و بازار در کشور تأمین شود. از این منظر، مریکانتیلیست‌ها امنیت اقتصادی را بخشی از مقوله وسیع‌تر امنیت ملی می‌بینند.</p>	<p>مرکانتیلیسم و نئومریکانتیلیسم</p>
<p>لیبرال‌ها، اولویت را به اقتصاد می‌دهند. اقتصاد از دیدگاه لیبرالیسم باید در بافت اجتماعی جامعه ریشه داشته باشد و بازار باید آزادانه و بدون دخالت دولت عمل کند. دولت برای تدوین قانون و تأمین امنیت سیاسی-نظامی و حمایت از بافت اجتماعی در حوزه‌هایی که از توان بازار خارج است، ضروری دیده می‌شود. از منظر لیبرالیسم، هدف اصلی امنیت اقتصادی تدوین قواعدی است که به تحرک عوامل تولید در اقتصاد کشور کمک کند. گفتمان معاصر پیرامون امنیت اقتصادی، متأثر از تفکر لیبرال و تلاش برای اجرای آن در تجارت، تولید و تأمین مالی است. نگاه لیبرالیستی به امنیت اقتصادی به دنبال برقراری شرایط پایدار و باثبات است تا بنگاه‌ها بتوانند به دور از بی‌ثباتی با یکدیگر رقابت کنند. در نظام لیبرالیستی، حفظ منافع تجاری مشترک در گرو حفظ منافع هریک از طرفین است. بنگاه‌ها برای بقاء با یکدیگر رقابت می‌کنند و زمانی که دیگر کارایی لازم را نداشته باشند، فارغ از اندازه و قدمتشان محکوم به رفتن هستند.</p>	<p>لیبرالیسم</p>
<p>دیدگاه سوسیالیست‌ها به امنیت اقتصادی، بین دو مکتب مریکانتیلیسم و لیبرالیسم قرار می‌گیرد. از نظر سوسیالیست‌ها، اقتصاد در بافت اجتماعی جامعه ریشه دارد و دولت تا جایی که می‌تواند باید اقتصاد را به سمت اهداف اجتماعی و سیاسی برابری و عدالت پیش ببرد. از این منظر، امنیت اقتصادی قرار است بیشتر جانب قشر محروم را داشته باشد تا قشر مرفه جامعه را.</p>	<p>سوسیالیسم</p>
<p>امنیت اقتصادی از دید نهادگرایان بر اساس ویژگی‌های نهادی اقتصاد مشتمل بر سازمان‌ها، قوانین، سنن و ایدئولوژی آن تعریف می‌شود. به این معنا، امنیت اقتصادی به چارچوب نهادی اشاره دارد که برای سرمایه‌گذاران و پس‌اندازکنندگان اعتمادآفرین است و امنیت فیزیکی<sup>۱</sup> افراد و امنیت حقوقی معاملات را تأمین می‌کند [۴]. مکتب نهادگرایی در مقایسه با اقتصاد بازار رویکرد متفاوتی به امنیت اقتصادی دارد. کارل پولانی<sup>۲</sup> معتقد است که بازارها در «جامعه» قرار دارند و چارچوب نهادی برای عملکرد کارآمدی آنها ضروری است. نیل فلیستین<sup>۳</sup> از منظر جامعه‌شناسی اقتصاد می‌نویسد بازارها ساختارهای اجتماعی هستند که بازیگران آن پیش از هر چیز به دنبال ثبات هستند [۸].</p>	<p>نهادگرایی</p>

<sup>۱</sup> امنیت فیزیکی (Physical security) به انجام اقداماتی اشاره دارد که امکان استفاده غیرمجاز از تجهیزات، منابع و دارایی‌های فرد را از افراد غیر سلب می‌کند.

<sup>۲</sup> Karl Polanyi

<sup>۳</sup> Neil Fligstein

## ۵- ضرورت امنیت اقتصادی

در فضای جهانی شده امروز، همه کشورها در فضای بین‌المللی به دنبال دستیابی به مزیت رقابتی، حفظ امنیت اقتصادی و کسب قدرت هستند که هسته اصلی تمام این مؤلفه‌ها را قدرت اقتصادی تشکیل می‌دهد. هیچ کشوری نیست که از تهدید منافع اقتصادی‌اش در امان باشد. به همین دلیل تمامی کشورها برای مواجهه با نااطمینانی و کاهش ریسک به مسئله امنیت اقتصادی اهمیت می‌دهند. یکی از بخش‌های مهم سیاست‌گذاری دولت‌ها در حراست از امنیت اقتصادی، تدوین سیاست‌های صحیح اقتصادی و حصول اجماع اجتماعی در خصوص دوری از وابستگی نامتعارف به نیروهای خارجی است. این عدم وابستگی باید در سیاست‌های اقتصاد خرد و کلان توسط نهادهای اجرایی دولت دنبال شود [۳]. یکی از آثار مهم امنیت اقتصادی، در بهبود شرایط سرمایه‌گذاری و به دنبال آن، افزایش رشد اقتصادی کشورها قابل مشاهده است. برون‌داد چنین شرایطی، در بهبود روابط بین‌الملل نیز دیده خواهد شد.

### • تأثیر امنیت اقتصادی بر سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی: یکی از آثار مثبت امنیت

اقتصادی تأثیر آن بر افزایش سرمایه‌گذاری است؛ به‌گونه‌ای که بهبود وضعیت کشورها در جذب سرمایه، به عنوان عاملی در افزایش امنیت اقتصادی تلقی می‌شود. صندوق بین‌المللی پول در مطالعه‌ای که با استفاده از روش‌های محاسباتی گزارش راهنمای بین‌المللی ریسک کشورها<sup>۱</sup> در یک بازه زمانی یازده ساله روی ۵۳ کشور در حال توسعه انجام داده است، این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که بهبود امنیت اقتصادی در این کشورها به افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی انجامیده است. البته، سرمایه‌گذاری خصوصی تحت تأثیر عواملی چون خطر مصادره اموال، درجه آزادی مدنی و کیفیت بوروکراسی نوسان خواهد یافت [۱۰].

### • تأثیر امنیت اقتصادی بر امنیت داخلی و ژئوپولیتیک بین‌الملل: از آنجا که اقتصاد و مسائل

مالی، تأثیر مستقیم بر امنیت جامعه و حتی امنیت نظامی دارد، کشورها بدون اقتصاد ایمن نمی‌توانند به امنیت داخلی، رفاه اقتصادی و ثبات دست پیدا کنند. اقتصاد، منبع کلیدی قدرت، امنیت و ثبات کشورها است. کشوری که اقتصاد قوی دارد، می‌تواند اقدام استراتژیک و سیاسی در مقیاس جغرافیای سیاسی خود انجام دهد و بر روابط بین‌الملل تأثیر گذارد [۷].

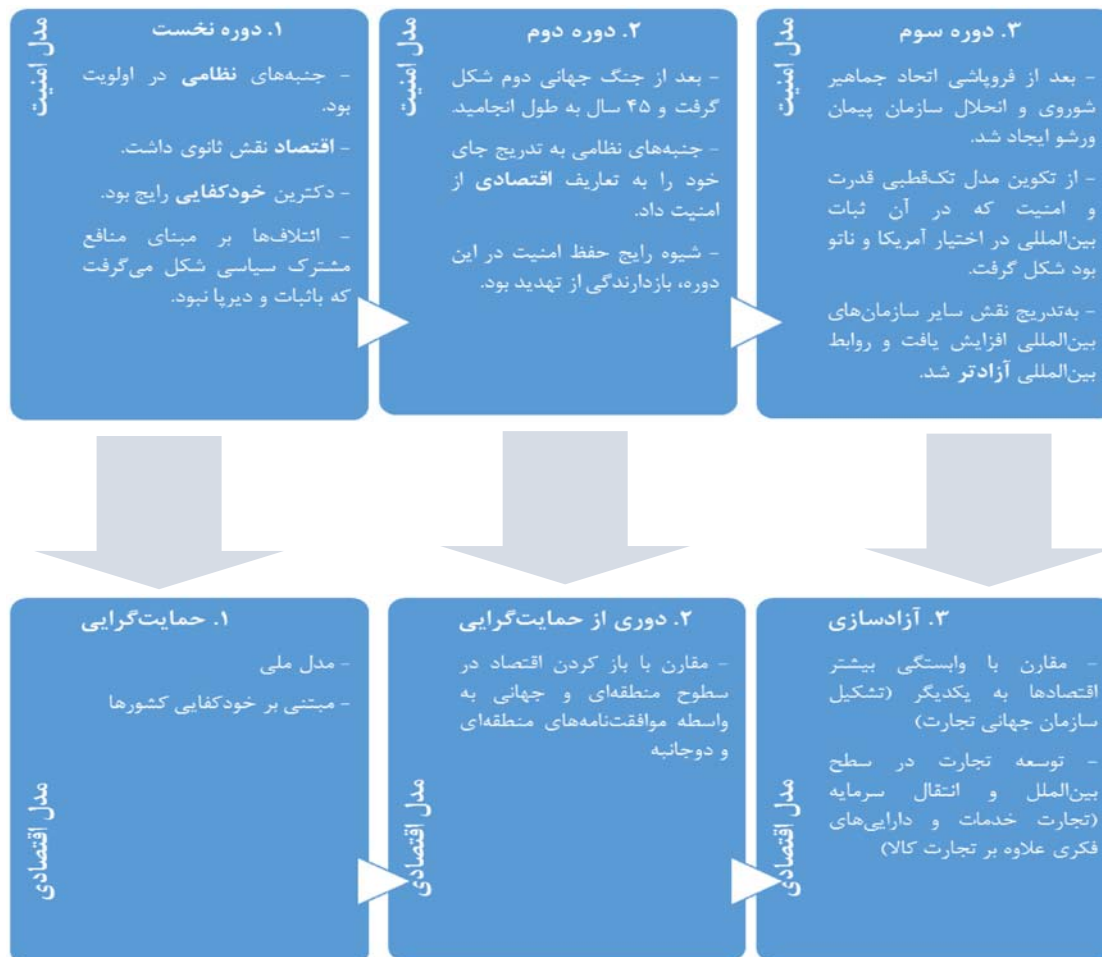
<sup>1</sup> International Country Risk Guide (ICRG)



## ۶- تاریخچه بحث امنیت اقتصادی

واژه امنیت اقتصادی نخستین بار در طول بحران بزرگ اقتصادی (۱۹۲۲-۱۹۳۳) مورد استفاده قرار گرفت. فرانکلین روزولت، رئیس جمهور وقت آمریکا به منظور خارج کردن این کشور از بحران و احیاء اقتصاد آن، کمیته‌ای را تحت عنوان کمیته امنیت اقتصادی در سال ۱۹۳۴ تشکیل داد. وظیفه اصلی این کمیته، تأمین امنیت اقتصادی در سطح افراد، یعنی مبارزه با بیکاری بود. در سال ۱۹۸۵، در چهلمین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه امنیت اقتصادی بین‌المللی به تصویب رسید و از این زمان، واژه امنیت اقتصادی در ادبیات بین‌الملل جایگاه رسمی یافت. از منظر عملی، تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، امنیت اقتصادی دغدغه اندیشمندان غربی بود. اما با فروپاشی شوروی، تهدیدها و خطرات پیش‌بینی نشده فراوانی پیش روی کسب‌وکارهای نوپا در کشورهای پسا شوروی قرار گرفت و مفهوم امنیت اقتصادی در دنیای شرق نیز مطرح شد [۶]. شکل ۴ به ارتباط مدل‌های مختلف امنیت و نسبت زمانی آنها با مدل‌های مختلف اقتصاد در دوره‌های مختلف پرداخته است که تاریخچه شکل‌گیری امنیت اقتصادی را نشان می‌دهد [۱۲]

شکل ۴- مدل‌های مختلف امنیت و تناظر آن با ادوار مختلف در اقتصاد





بعد از جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد که رقابت تسلیحاتی و هسته‌ای گسترده‌ای بین دو بلوک شرق و غرب ایجاد شد، «قدرت نظامی» نقش تعیین‌کننده‌ای یافت و امنیت نظامی مورد توجه قرار گرفت. در طول جنگ سرد، رقابت ابرقدرت غربی به گونه‌ای بود که صداهای حمایت‌گرایانه را سرکوب کرد و تمام قدرت‌های سرمایه‌داری را در راستای ملاحظات نظامی و سیاسی مشترک علیه اتحاد جماهیر شوروی بسیج نمود. اما پس از پایان جنگ سرد، با گسترش یافتن برنامه‌های اقتصادی و زیست‌محیطی در روابط بین‌الملل که از دهه‌های ۷۰ تا ۸۰ میلادی به تدریج شکل گرفت، مناقشه‌هایی در مورد کاربرد قدرت نظامی در حفظ امنیت به وجود آمد که دامنه مباحث امنیت را به سایر حوزه‌ها کشاند. به موازات پایان جنگ سرد و با افزایش نقش سازمان‌های بین‌دولتی، در اقتصاد نیز دولت‌ها به سوی آزادسازی و گسترش تجارت بین‌الملل روی آوردند که بیشتر به ابعاد نرم قدرت معطوف بود تا برتری‌های نظامی. در واقع، پیروزی قاطع غرب در جنگ سرد، دیدگاه‌های سوسیالیستی به اقتصاد را تضعیف کرد و موجب شد امنیت اقتصادی در قالب ملاحظات لیبرالیستی و تحت قواعد لیبرالیستی اقتصاد سیاسی بین‌الملل شکل بگیرد [۲].

#### ۶-۱- سه رویکرد نسبت به امنیت اقتصادی

به طور کلی، سه رویکرد در تحلیل امنیت اقتصادی وجود دارد.

- رویکرد انگلیسی-آمریکایی
- رویکرد آسیایی
- رویکرد اروپایی

تعریف هر یک از دو رویکرد انگلیسی-آمریکایی و آسیایی از امنیت اقتصادی باهم متفاوت است. رویکرد سوم که در میان اروپایی‌ها رواج دارد، به عنوان تلفیقی از دو رویکرد انگلیسی-آمریکایی و آسیایی دیده می‌شود. تفاوت هر یک از این رویکردها در جدول ۱ قابل مشاهده است [۷].

جدول ۲- رویکردهای مختلف در تحلیل امنیت اقتصادی

رویکرد	نگاه به امنیت اقتصادی
انگلیسی-آمریکایی	در رویکرد انگلیسی-آمریکایی به امنیت اقتصادی، هدف اصلی اقتصاد تأمین استانداردهای بالای زندگی است. به ویژه آنکه، نظام سرمایه‌داری آمریکایی بر محوریت فرد تعریف شده است نه دولت یا مالکیت اشتراکی. در دموکراسی واقعی، هدف اقتصاد تأمین نیازهای مشتریان و تولیدکنندگان کشور است.
آسیایی	برای آسیایی‌ها، امنیت اقتصادی به معنای افزایش قدرت اقتصاد ملی در عرصه خارجی است. از این‌رو، دولت حق دارد و حتی ملزم است فعالیت‌های اقتصادی را که به طور مستقیم

نگاه به امنیت اقتصادی	رویکرد
بر امنیت ملی تأثیر می‌گذارند کنترل نماید. آمریکایی‌ها از این رویکرد تحت عنوان <b>نظامی‌سازی<sup>۱</sup> اقتصاد</b> یاد می‌کنند.	
رویکرد اروپایی به امنیت اقتصادی، <b>ترکیبی</b> از دو رویکرد انگلیسی-آمریکایی و آسیایی است. یکی از موفق‌ترین مدل‌ها در این رویکرد متعلق به اقتصاد سوئیس است.	اروپایی

Ioan-franc, V., & Diamescu, M. A. (2010). Some Opinions on the Relation between Security Economy and Economic Security. *Romanian Journal of Economics*, 129–159

در تاریخ نظریه‌های اقتصادی، نمی‌توان به آسانی استدلالی قطعی به نفع یکی از رویکردها یافت.

## ۷- پیش‌نیازهای امنیت اقتصادی

ایجاد امنیت اقتصادی و تحقق کارکردهای اقتصاد ملی، در گرو تأمین پیش‌نیازهای امنیت اقتصادی است که این پیش‌نیازها به قرار زیر است [۷]:

- ایجاد ترتیبات نهادی مؤثر و پشتیبان بازار
- ایجاد محیط مساعد برای همه عوامل تولید
- حرکت به سمت اقتصاد رقابتی و آزاد
- اجرای سیاست‌های توسعه منطقه‌ای و توسعه پایدار
- سیستم مالی و بانکداری مناسب
- حمایت‌های اجتماعی مؤثر
- پژوهش‌های علمی و فناورانه همراه با احترام به حقوق مالکیت معنوی و کپی‌رایت

به طور کلی، به منظور ایجاد امنیت اقتصادی، امنیت افراد باید در سطح خرد و امنیت بازار در سطح بالاتر حفظ شود. به همین دلیل است که لیونگ لیو<sup>۲</sup> از مفهوم «امنیت نهادی بازار»<sup>۳</sup> سخن می‌گوید. در این مقوله، حفظ امنیت حقوق مالکیت و قراردادهای اهمیت ویژه‌ای دارد که از آن به حفظ تمامیت بازار تعبیر می‌شود. هرناندو دُستو<sup>۴</sup>، اقتصاددان پرویی معتقد است جوامع اروپایی به این دلیل به پیشرفت‌های اقتصادی دست یافته‌اند که از نظام‌های قوی حقوق مالکیت برخوردار هستند. زیرا در سایه این نظام‌ها افراد می‌توانند به سرمایه مورد نیاز دست یابند و به دنبال آن درآمد کسب کنند [۸].

<sup>1</sup> Militarized

<sup>2</sup> Leong Liew

<sup>3</sup> Market institutional security

<sup>4</sup> Hernando de Soto

## ۸- شاخص‌های امنیت اقتصادی و ریسک اقتصادی

ایجاد شرایط مساعد برای امنیت اقتصادی به طور کلی به عواملی چون سرمایه‌گذاری خارجی، مدیریت مناسب بدهی عمومی، مدیریت نرخ ارز رسمی، کاهش تورم و بدهی خارجی و وجود محیط کسب‌وکار و چارچوب نهادی و قانونی مشوق اقتصاد بازار باز می‌گردد. مدیریت کارآمد این متغیرهای اقتصادی موجب افزایش درآمدها، ارتقاء استاندارد زندگی، کاهش بیکاری و کاهش فقر می‌شود [۷].

عواملی که امنیت اقتصادی را در سه سطح خرد، میانی و کلان تعیین می‌کنند، در جدول ۳ به نمایش درآمده‌اند [۱۱].

جدول ۳- عوامل تعیین‌کننده امنیت اقتصادی

سطوح امنیت اقتصادی	سطح خرد	سطح میانی	سطح کلان
عوامل اصلی امنیت اقتصادی در هر سطح	افراد، خانواده‌ها، جوامع	کسب‌وکارها، بنگاه‌ها، انجمن‌های کسب‌وکار	دولت‌ها، بین‌دولتی، جهان
عوامل تعیین‌کننده امنیت اقتصادی	۱. ثبات محیط اقتصاد کلان ۲. ثبات در غذا، آب، مسکن ۳. دسترسی به مکان‌های اقامتی موقت ۴. ثبات و امنیت شغلی ۵. دستمزدهای منصفانه و باثبات ۶. اعتماد به نهادها ۷. حداقل‌سازی فقر مطلق و نسبی ۸. حداقل‌سازی طرد اجتماعی (حداکثرسازی اعتبار شخصی) ۹. دسترسی به آموزش ۱۰. حداقل‌سازی ترس و ایدئولوژی زندگی ۱۱. عدم ایزوله‌سازی افراد و امکان جابه‌جایی آزادانه آنها	۱۲. ثبات محیط اقتصاد کلان ۱۳. نوآوری و اختراعات جدید ۱۴. امکان بازاریابی ۱۵. توانایی پرداخت دیون و انضباط مالی ۱۶. انعطاف‌پذیری ۱۷. داشتن موهبت‌های پایدار در زمینه عوامل تولید ۱۸. انتشار فناوری ۱۹. انعطاف اداری ۲۰. ثبات نرخ ارز ۲۱. تولید بهره‌ور و دور از اتلاف (تولید ناب) ۲۲. حل دوگانه‌های اخلاقی (در خصوص انتخاب بین ارزش‌ها و منافع فردی یا جمعی) ۲۳. برخورداری از دانش ۲۴. حداقل‌سازی تولیدات بازار سیاه	۲۵. ثبات بازارهای دولتی، رقابت ۲۶. توسعه پایدار ۲۷. رشد تولید ناخالص داخلی ۲۸. بهره‌وری ۲۹. نرخ پایین تورم ۳۰. نرخ پایین بیکاری ۳۱. ثبات نرخ ارز ۳۲. تعادل تراز پرداخت‌ها ۳۳. عدم بدهی دولت ۳۴. موهبت‌های پایدار در زمینه عوامل تولید (نفت، گاز و ...) ۳۵. اجتناب و مقابله با رفتارهای سوداگرانه ۳۶. حل مشکلات مرتبط با مواد مخدر، قاچاق و گروه‌های جنایتکار

Source: Wysokińska, A., & Raczkowski, K. (2013). Economic Security in the Context of Sustainability. *Rural Development*, 454-462

مدیریت امنیت اقتصادی در سطح کلان (یا ملی) باید به طور همزمان در سه سطح اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دنبال شود تا با ایجاد ارزش واقعی به توسعه پایدار بیانجامد. از بین عوامل تعیین‌کننده امنیت اقتصادی، برخی از عوامل در بلندمدت تأثیر خود را بر امنیت یا ریسک اقتصادی کشورها نشان می‌دهند و معمولاً از چشم سرمایه‌گذاران مغفول می‌مانند. ساختارهای نهادی و اجتماعی جامعه، سرمایه‌گذاری در آموزش و عوامل حاکمیتی از این دست هستند [۱۱]. مطالعات نشان می‌دهد که امروزه، مسئله امنیت اقتصادی از اقتصادهای ملی به اقتصادهای منطقه‌ای و بین‌المللی تغییر کرده است [۷].

#### ۸-۱- شاخص امنیت اقتصادی<sup>۱</sup> سازمان بین‌المللی کار<sup>۲</sup>

سازمان بین‌المللی کار (ILO)، در قالب «برنامه امنیت اجتماعی-اقتصادی»<sup>۳</sup> ۷ نوع از امنیت را تحت عنوان شاخص امنیت اقتصادی شناسایی کرده است که مؤلفه‌های این شاخص بیشتر از زاویه اشتغال به مقوله امنیت می‌پردازند. این ۷ مؤلفه که باید توسط دولت‌ها، کارفرمایان و اتحادیه‌ها دنبال شوند به قرار زیر هستند:

۱. امنیت بازار کار<sup>۴</sup>: وجود فرصت‌های کافی اشتغال
۲. امنیت اشتغال<sup>۵</sup>: حمایت در برابر اخراج غیرمنصفانه، برخورداری از مقررات اخراج و استخدام و تحمیل هزینه بر کارفرمایانی که از قوانین مربوطه را رعایت نمی‌کنند
۳. امنیت شغلی<sup>۶</sup>: وجود طبقه‌بندی مشاغل به منظور جلوگیری از فرسودگی شغلی و تقلیل رفتن مهارت‌ها، جلوگیری از اعمال رویه‌های محدودکننده، امکان دنبال کردن گرایش‌های منطبق با علاقه، تخصص و مهارت‌های فرد در کار
۴. امنیت کار<sup>۷</sup>: وجود حمایت در برابر حوادث و بیماری‌های ناشی از کار از طریق اعمال مقررات ایمنی و سلامت کارکنان، داشتن سقف برای ساعات کاری و کار زنان در شب
۵. امنیت مهارت شغلی<sup>۸</sup>: برخورداری از فرصت‌های کافی در زمینه آموزش‌های شغلی و حرفه‌ای به منظور به‌روز نگه داشتن مهارت‌ها

<sup>1</sup> Economic Security Index

<sup>2</sup> International Labor Organization (ILO)

<sup>3</sup> Socio-Economic Security Programme

<sup>4</sup> Labor market security

<sup>5</sup> Employment security

<sup>6</sup> Job security

<sup>7</sup> Work security

<sup>8</sup> Skill reproduction security

۶. امنیت درآمدی<sup>۱</sup>: حمایت از درآمدها از طریق قانون حداقل دستمزد، بیمه‌های اجتماعی، مالیات بر درآمد تصاعدی به منظور کاهش نابرابری‌های درآمدی
۷. امنیت اظهارنظر نمایندگی‌های کارگری<sup>۲</sup>: حمایت از نظرات اتحادیه‌های کارگری از طریق انجمن‌های کارفرمایی و برخورداری از حق اعتصاب

بنابر تعریف سازمان بین‌المللی کار، از بین ۷ مؤلفه فوق، امنیت درآمدی و امنیت اظهارنظر نمایندگی‌های کارگری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. زیرا این دو، ارکان اصلی تشکیل‌دهنده «امنیت پایه»<sup>۳</sup> (یا سطوح حداقلی از امنیت اقتصادی) انسان را تشکیل می‌دهند. در ادبیات سازمان بین‌المللی کار، همه انسان‌ها دارای حق برخورداری از امنیت پایه هستند که به معنای کاهش نااطمینانی در زندگی شخصی افراد و تأمین محیطی اجتماعی است که انسان‌ها در آن احساس تعلق خاطر به انجمن‌ها یا گروه‌هایی داشته باشند [۹].

در بخش بعدی، ریسک اقتصادی و متغیرهای تبیین‌کننده آن تشریح شده است. ریسک اقتصادی، تعاریف متعددی دارد. اما به طور کلی، به نااطمینانی نسبت به محیط کسب‌وکار مشتمل بر شرایط سیاسی، اقتصاد کلان و کسب‌وکار و رخدادهایی اطلاق می‌شود که فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی و جریان ورود سرمایه را در کشورها تحت‌الشعاع قرار می‌دهد [۱].

#### ۸-۲- متغیرهای سنجش ریسک اقتصادی در گزارش راهنمای بین‌المللی ریسک کشورها

مؤسسه خدمات ریسک سیاسی (موسوم به پی.آر.اس)<sup>۴</sup> گزارشی را تحت عنوان راهنمای بین‌المللی ریسک کشورها منتشر می‌کند. بنابر تعریف این نهاد، ریسک اقتصادی به معنای تغییرات عمده در ساختار اقتصادی یا نرخ رشد اقتصادی کشور به گونه‌ای است که بازده سرمایه مورد انتظار را تحت‌الشعاع قرار دهد. این‌گونه ریسک‌ها ناشی از تغییرات اساسی در سیاست‌های اقتصادی (مالی، پولی، بین‌الملل یا توزیع ثروت) و مزیت رقابتی کشور (تخلیه منابع، افول صنعت، تغییرات جمعیت‌شناختی) هستند [۱].

در این گزارش که به طور عمده به منظور آگاه ساختن سرمایه‌گذاران از ریسک کشورهای مختلف تهیه می‌شود، ریسک در سه حوزه **سیاسی، مالی و اقتصادی** و با استفاده از ۲۲ متغیر (۱۲ متغیر سیاسی، ۵ متغیر مالی و ۵ متغیر اقتصادی) سنجیده می‌شود که برای ریسک سیاسی ۱۰۰ امتیاز و ریسک‌های مالی و اقتصادی، هریک ۵۰ امتیاز در نظر گرفته شده است. امتیاز کلی ریسک کشورها که حاصل جمع امتیازات

<sup>1</sup> Income security

<sup>2</sup> Representation security

<sup>3</sup> Basic security

<sup>4</sup> Political Risk Services (PRS)

همه مؤلفه‌ها است، تقسیم بر ۲ می‌شود و امتیاز نهایی هر کشور عددی بین ۰ تا ۱۰۰ خواهد بود. در این گزارش، کسب امتیاز بالاتر نشان‌دهنده ریسک پائین‌تر است.

هدف نهایی سنجش ریسک اقتصادی در این گزارش، ارزیابی نقاط ضعف و قوت اقتصاد کشورها است. به عبارتی، چنانچه نقاط قوت اقتصاد کشوری از نقاط ضعف آن پیشی بگیرد، یعنی ریسک اقتصادی آن کشور پائین است و چنانچه نقاط ضعف آن از نقاط قوتش بیشتر باشد، نشان می‌دهد که محیط اقتصادی پرریسکی دارد. این نهاد، برای سنجش ریسک اقتصادی کشورها از ۵ متغیر زیر استفاده می‌کند [۱]:

۱. سرانه تولید ناخالص داخلی
۲. رشد واقعی تولید ناخالص داخلی
۳. نرخ تورم سالیانه
۴. تراز بودجه نسبت به تولید ناخالص داخلی
۵. تراز حساب جاری نسبت به تولید ناخالص داخلی

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌گردد، هر چقدر کشوری امتیاز بیشتری را در مؤلفه‌های اقتصادی کسب کند، سطح ریسک پائین‌تری را نشان می‌دهد.

جدول ۴- تعیین سطح ریسک اقتصادی در گزارش راهنمای بین‌المللی ریسک کشورها

سطح ریسک	امتیاز (بر اساس درصد)
ریسک بسیار بالا	کمتر از ۵۰
ریسک بالا	۵۰ تا ۶۰
ریسک متوسط	۶۰ تا ۷۰
ریسک پائین	۷۰ تا ۸۰
ریسک بسیار پائین	۸۰ تا ۱۰۰

## ۹- تهدیدهای امنیت اقتصادی و اقسام آن

امنیت اقتصادی، به وضعیت آمادگی اقتصاد برای تأمین شرایط مطلوب زندگی و توسعه ثبات اقتصادی- اجتماعی و فردی و توسعه توان سیاسی- نظامی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی اطلاق می‌شود. از این منظر، اقتصادها باید بتوانند مخاطرات خود را شناسایی کنند. گام بعد باید تدوین و اجرای سیاست‌هایی در راستای کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد و حذف ریسک‌ها و منابع ایجاد آنها باشد. در سطح ملی، امنیت اقتصادی یک کشور با اتکاء به منابع و سطح توسعه آن تضمین می‌شود. اما



امنیت اقتصادی را نمی‌توان به صورت ایستا دید، زیرا بین امنیت اقتصادی، امنیت ملی و منافع ملی پیوندی ناگسستنی وجود دارد. قدرت یک سیستم در گرو توانایی آن برای استفاده از منابع و ایجاد ارتباط مؤثر و متوازن بین مؤلفه‌های اقتصادی، سیاسی، انسانی، فرهنگی، اطلاعاتی- فناوری و نظامی است. با وجود آنکه تمام این مؤلفه‌ها در یک سیستم نقش‌آفرین هستند، اما جنبه اقتصادی در دستیابی سیستم به امنیت وزن بیشتری دارد [۷].

در سطح میانی، مطالعات جهانی نشان می‌دهد که ۸۰ درصد کسب‌وکارها در ۵ سال اول تأسیس، در اثر ریسک‌ها ناچار به تعطیلی می‌شوند. به طور کلی، بنگاه‌ها بر مبنای ۳ چیز به حیات خود ادامه می‌دهند [۶].

۱. سودآوری

۲. توسعه

۳. امنیت اقتصادی

عواملی که امنیت اقتصادی کسب‌وکارها را به مخاطره می‌اندازند به دو گروه **داخلی** و **بیرونی** تقسیم می‌شوند.

- تهدیدها و مخاطرات داخلی: این نوع تهدیدها مستقیماً به فعالیت‌های اقتصادی بنگاه و نیروهای آن بازمی‌گردد.
- تهدیدها و مخاطرات خارجی: این نوع از مخاطرات به تغییراتی در محیط کسب‌وکار اشاره دارد که می‌توانند اثر معکوس بر فعالیت و امنیت اقتصادی بنگاه داشته باشند.

دسته‌بندی تهدیدهای اقتصادی کسب‌وکار همراه با مؤلفه‌های بنیادین هر یک، در شکل ۶ به تصویر کشیده شده است [۶].

شکل ۶- دسته‌بندی تهدیدها در ارتباط با امنیت اقتصادی کسب و کارها





### ۱۰- هزینه‌های تأمین امنیت اقتصادی و نحوه توزیع هزینه‌ها

به منظور تأمین امنیت اقتصادی، اقداماتی باید در حوزه‌های اقتصادی و همچنین، سیاسی و فرهنگی انجام شود. حوزه‌های سیاسی و فرهنگی، مشتمل بر ذهنیت و منش رفتاری کلان در این دو حوزه است. در حوزه اقتصادی، انعطاف و توانایی تطبیق با روندهای بازار، تأمین نیازهای مشتریان و دستیابی و حفظ جایگاه رقابتی در برابر رقبا مدنظر است.

سازوکار تأمین امنیت اقتصادی به صورت هرمی و دوسویه در جریان است و هزینه‌های آن نیز باید به همین ترتیب تقبل گردد. در قاعده هرم، بنگاه‌ها و رقبایشان قرار دارند. در یک سطح بالاتر، تمام بازارها و روابط بین بازارها (داخلی، منطقه‌ای و جهانی) جای می‌گیرند و در سطح سوم، امنیت ملی (تصمیم‌گیران و رهبران سطوح بالای کشور) جای دارد. در واقع، کشورها به همان میزان که برای امنیت هزینه می‌کنند از آن بهره‌مند می‌شوند [۷].

شکل ۷- سازوکار تأمین امنیت اقتصادی و توزیع هزینه‌های آن



Source: Ioan-franc, V., & Diamescu, M. A. (2010). Some Opinions on the Relation between Security Economy and Economic Security. *Romanian Journal of Economics*, 129–159

برنامه‌ریزی امنیت اقتصادی باید به‌گونه‌ای باشد که هزینه امنیت اقتصادی به طور بهینه و در کل نظام امنیت ملی توزیع شود.

### ۱۱- جمع‌بندی

با وجود آنکه حفظ امنیت اقتصادی در دنیای پیچیده امروز مانند گذشته از مسیر قدرت نظامی نمی‌گذرد، اما به مخاطره افتادن امنیت اقتصادی می‌تواند سایر انواع امنیت را در سطوح ملی و بین‌المللی به مخاطره اندازد. همچنین، از آنجاکه به تدریج، جنبه‌های سخت امنیت جای خود را به جنبه‌های نرم داده‌اند، ضروری است دولت‌ها منابع خود را صرف ارتقای امنیت اقتصادی کنند. در این راستا به نظر می‌رسد حفظ ثبات محیط اقتصاد کلان و اجتناب از تصمیماتی که متغیرهای کلان اقتصادی را بی‌ثبات می‌سازند در عرصه



سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در داخل و تصمیم‌سازی‌های سیاسی در خارج باید بیش از پیش مورد توجه دولتمردان و سیاستگذاران کشور قرار گیرد. در واقع، هر تهدیدی که امنیت اقتصاد ملی را به مخاطره اندازد، هزینه‌ای بر دوش بنگاه‌های اقتصادی کشور خواهد گذاشت که این هزینه از سطوح افراد تا سطوح امنیت ملی بازتاب خواهد یافت. به منظور بهبود امنیت اقتصادی، لازم است پس از ایجاد چارچوب نهادی کارآمد و تدوین قوانین مناسب برای عملکرد کارای بازارهای داخلی، عواملی که به طور بالقوه خطر تهدیدهای اقتصادی خارجی را افزایش می‌دهند به نحو مقتضی مدیریت شوند.

1. Bertoli, F. (2004). *Country Risk and Country Risk Premium Estimation for Mongolia*. Mongolia: Chemonics International Inc.
2. Buzan, B., de Wilde, J. & Wæver, O. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. United States of America: Lynne Rienner Publishers.
3. Elliott, D. W. (2012). *Changing Worlds: Vietnam's Transition From Cold War to Globalization*. Oxford : Oxford University Press.
4. Fabricius, M. (1998, July 1). *The Impact of Economic Security on Bank Deposits and Investment*. Retrieved from IMF Working Papers: <https://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/wp9898.pdf>
5. Hughes, C. W., & Meng, L. Y. (2011). *Security Studies: A Reader*. London & New York: Routledge.
6. Ianioglo, A., & Polajeva, T. (2016). Origin and Definition of the Category of Economic Security of Enterprise. *Business and Management 2016* (pp. 1-8). Lithuania: VGTU Press.
7. Ioan-franc, V., & Diamescu, M. A. (2010). Some Opinions on the Relation between Security Economy and Economic Security. *Romanian Journal of Economics*, 129–159.
8. Nesadurai, H. (2005). *Conceptualising Economic Security in an Era of Globalisation: What Does the East Asian Experience Reveal?* United Kingdom: CSGR Working Paper No. 157/05.
9. Office, I. L. (2004). *Economic Security for a Better World*. Geneva: ILO.
10. Poirson Ward, H. (1998, January 1). *Economic Security, Private Investment, and Growth in Developing Countries*. Retrieved from IMF Working Papers: <https://www.imf.org/en/Publications/WP/Issues/2016/12/30/Economic-Security-Private-Investment-and-Growth-in-Developing-Countries-2456>
11. Wysokińska, A., & Raczkowski, K. (2013). Economic Security in the Context of Sustainability. *Rural Development*, 454-462.
12. Zukrowska, K. (1999). The Link between Economics, Stability and Security in a Transforming Economy. *NATO Economic Colloquium*, 269–283.